

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالصَّلَاةُ عَلَيْكَ يَا مُسْتَفِضُّ





موضوع

گردآوری زندگینامه شهید حسن شاهچراغی

درس

آشنایی با دفاع مقدس

گردآورنده

دانشجو افسانه فلاحی

استاد ارجمند

آقای گلثومیان

فهرست

۴	مقدمه
۵	مشخصات شهید
۱۰	فعالیت های شهید قبل از انقلاب
۱۰	فعالیت های شهید در حین انقلاب
۱۱	فعالیت های شهید در حین جنگ تحمیلی
۱۴	نحوه شهادت
۱۶	لحظه ای با خاطرات هم‌رزم شهید
۱۸	شهیدان زنده اند مروی بر خاطرات همسر شهید
۲۰	گلایه فرزند شهید نسبت به تفکر مردم درباره خانواده شهدا
۲۳	مراسم تدفین
۲۶	انتظار خانواده شهید از مردم
۲۷	انتظار خانواده شهید از مسئولین
۲۸	حرف آخر
۳۰	منابع تحقیق

مقدمه

این تحقیق در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۲۰ جهت گردآوری خلاصه‌ای از زندگی و اقدامات و نحوه شهادت پاسدار شهید حسن شاهچراغی تدوین شده هدف از این تحقیق آشنایی هر چه بیشتر مردم و محصلین دانشگاه با زندگی نامه شهید بزرگوار می باشد در این تحقیق به مشخصات کامل شهید اقداماتش در جنگ تحمیلی نحوه شهادت این بزرگوار، روحیه انقلابی ایشان از دید هم‌زمانشان، حضورشان در زندگی خانواده محترمشان حتی بعد از شهادت و درخواست خانواده ایشان از مسئولین اشاره شده است امید است با ارائه این تحقیق مقام شهید و شهادت در کشور والاتر رفته و این اقدام از خود گذشته در کشور ما قدر دانسته شود و در جهت حفظ ارزش شهید و شهادت کوشا باشیم و رهروی راه ایشان باشیم ان‌شاءالله

مشخصات شهید



شهید گرانقدر حسن شاهچراغی فرزند غلامحسین شاهچراغی در تاریخ ۱۳۳۷/۸/۲ خانواده معمولی در روستای چهارطاق توابع باخرز از استان خراسان رضوی چشم به جهان گشود پدر بزرگوارشان کشاورز و دامدار بودند و مادرشان صالحه نام داشت این شهید بزرگوار پس از گذراندن دوران کودکی در کنار خانواده در دوران نوجوانی و جوانی بیشتر وقتش را به خودسازی و عبادت می پرداخت و کمک کردن به خانواده در کارهای کشاورزی و دامداری، ایشان به خاطر ناملایمات نظام آموزشی در آن زمان از درس خواندن توسط پدر و مادر منع شدند ولی بنا به گفته همسرشان علاقه زیادی به درس خواندن داشتند و بعد از ازدواج تا پایان دوره مقدماتی نهضت درس خواندند و مشوق برادرانش برای درس خواندن بودن در سن ۱۸ سالگی قرار ازدواج گذاشتند و به خدمت سربازی نائل شدند پس از یک سال که از خدمت سربازی ایشان گذشت انقلاب پیروز شد این شهید بزرگوار به روستایشان برگشتند در سال ۵۸ با همسر بزرگوارشان عقد و در سال ۵۹ ازدواج کردن و زندگی مشترک را آغاز کردند محل زندگی شان همان روستای چهارطاق بود و شغل ایشان نیز کشاورزی و دامداری ایشان صاحب ۳ فرزند شدن (دو دختر و یک پسر) بنا به فرموده همسرشان احترام خاصی برای پدر و مادر خود و بزرگترها قائل میشدند به گونه ای که هرگاه پیرمرد و پیرزنی را میدیدند کنارشان می نشستند و با آنها با محبت صحبت می کردند و حال و

احوالش را جویا می شدند و همیشه به همسرشان متذکر می شدند که احترام
بزرگترها باید حفظ شود زیرا برکت زندگیشان را در گرو آن می دانستند

توضیحات بیشتر پیوست شماره ۱



المشيني

ب اسلامی ایران وزارت کشور

سازمان ثبت احوال کشور

۱۳۴۳ سال ۱۱

نام خانوادگی شاهچراغی فرزند } آقای غلام حسین شناسنامه ۱۴۱۷ صادره از حوزه ۱
 و تاریخ روز دوم ماه آبان سال هزار و سیصد و هفتاد و شش } خاتم صالحه شناسنامه ۱۴۱۸ صادره از حوزه ۲
 کیم ۱۳۲۷ خانۀ — قصبه چورلای متولد شد به اشت صادره از حوزه ۲
 نام نامور غلام سرور نام خانوادگی حسرت مست سلطان و بیاض سرور
 صادره از حوزه ۱

۱۴۸۷/۱۵

40, K. 913 / 15214.1

[illegible]

برک خلاصه اطلاعات شمیر



کد پانصد و نود و نه هزار و هشتصد و هشتاد و سه: ۲۱۵۷۸۹۹۳

نام حسن نام خانوادگی شاهچراغی نام پدر خلاصه حسن عمل تولد

شماره شناسنامه $\frac{۴۷۹}{۱۲۲۷}$ میزان تحصیلات دیپلوم مجرد ☐ متاهل ☐ تعداد فرزندان ۳ فرزند

هنوباه ☐ تاریخ درویشپناه ۱۵/۴/۶۵ تاریخ اغرام تاریخ شاد ۱۷/۱۰/۶۵

عضوبیج ☐ تاریخ درویشپنج عمل اغرام عمل شادست مسلمیه

نام حیات ک ۵ نوع شادست خودمیزی تاریخ تشیع جنازه عمل دفن

آدرس منزل شهید شهرک باغرز رستای چهار طاق ۲۵ در صدد باغرز دار

آدرس منزل پدر شهید:

تلفن:

۱- همسر فرزندان با ذکر مشخصات ☐ ۲- افراد تحت تکفل با ذکر مشخصات ☐ ۳- افراد خانواده با ذکر مشخصات ☐

ردیف	نام و نام خانوادگی	نسبت	تاریخ تولد	تحصیلات	شغل	ملاحظات
۱	ناظم کامینی	همسر	۱۳۴۴	خواننده و ترانه	خانه دار	
۲	مریم شاهچراغی	حسن / فرزند	۱۳۶۰	سنة راهبری	معلم	
۳	اکبر شاهچراغی	حسن / فرزند	۱۳۶۲	ادله و هنای	معلم	
۴	نورعلی شاهچراغی	حسن / فرزند	۱۳۶۴	چهارم ابتدایی	معلم	
۵	محمد حسن شاهچراغی	حسن / فرزند	۱۳۶۵	بیست	کتاب	
۶	صالحه خاتمی	تا	۱۳۶۸	بیست	خانه دار	
۷						
۸						
۹						

۲۵۲۰۹۱۳
۱۴۲۱۴۰۱

فرم استخراج وثبت اطلاعات فردی شهید ☒ جانباز ☐ آزاده ☐
عادی ☒ شاخص ☐ راویان نور ☐

استان: خراسان رضوی شهرستان: نایب شهر کد شناسایی: ۱۴۲۱۴۰۱ شماره پرونده: ۲۵۲۰۹۱۳

ردیف	عنوان	اطلاعات	ردیف	عنوان	اطلاعات
۱	نام	حسن	۲	نام خانواده	شاهچراغی
۳	نام مستعار		۴	شماره شناسنامه	۴۷۹
۵	نام مادر	مهرنگر	۶	نام پدر	غلامحسین
۷	تاریخ تولد	روز: ۱۵ ماه: ۴ سال: ۱۳۳۷	۸	محل تولد	شهرستان: کاشان بخش: باخرز روستا: کاشان
۹	مجرد	-	۱۰	متاهل	✓
۱۱	تعداد فرزندان	۳	۱۲	میزان تحصیلات	مدرسه ابتدایی حضرت سواد آموزی
۱۳	آخرین شغل	پیکار	۱۴	آخرین مسئولیت در جبهه	
۱۵	محل شهادت / اسارت / اجباری	در اصفهان	۱۶	کیفیت شهادت / اسارت / اجباری	کیفیت
۱۷	تاریخ شهادت / اسارت / اجباری	۱۳۸۷/۱۰/۲۵	۱۸	یگان اقامتی	سپاه
۱۹	نشانی مزار شهید	گلزار قطعه بلوک ردیف شماره شهرستان کاشان بخش باخرز روستا کاشان	۲۰	نام و نام خانوادگی شهید یا ایثارگر دیگر خانواده	
۲۱	درصد جلبازی ایثارگر		۲۲	عضو آسیب دیده جانباز	
۲۳	مدت اسارت آزاده	روز: ماه: سال:	۲۴	تاریخ آزادی از اسارت	روز: ماه: سال:
۲۵	تاریخ ازدواج	۱۳۸۶/۱۲/۰۹	۲۶	شغل پدر	کشاورز
۲۷	تاریخ فوت پدر	-	۲۸	تاریخ فوت مادر	۱۳۸۲

سایر توضیحات ضروری:

نام و نام خانوادگی تایید کننده نهایی: (جانباز/آزاده/شهید): شاهچراغی نسبت: همسر تاریخ و امضاء: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰

نام و نام خانوادگی تنظیم کننده: رئیس شهرداری نام و نام خانوادگی تایید کننده (رئیس بنیاد شهید و ایثارگران شهرستان): تاریخ و امضاء: شهید شایسته

سید عبدالمنصوری
معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی

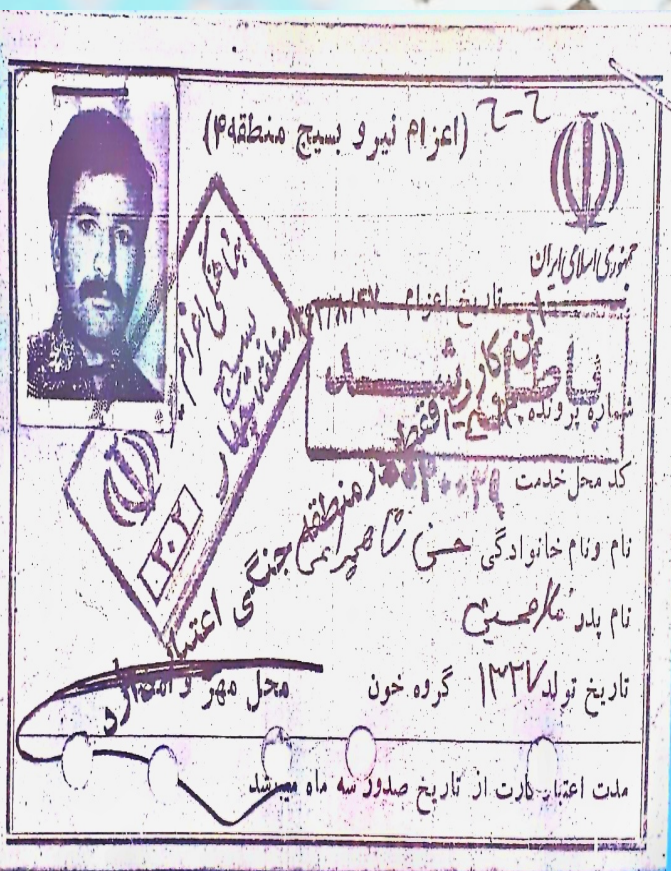
فعالیت های شهید قبل از انقلاب

به نقل از همسر شهید با توجه به اینکه زندگی روستا با کار و کارگری میگذشت از ابتدای نوجوانی مشغول به کار و تلاش و امورات کشاورزی و دامداری بودند و همچنین علاقه زیادی برای شرکت در مراسمات مذهبی در روستا داشتند

فعالیت های شهید در حین انقلاب

قبل از اینکه ایشان به جبهه اعزام شوند در مراسمات انقلابی که در مساجد روستای خودشان یا روستای مجاور بود شرکت میکردند بنا به فرموده همسر ایشان پس از شروع جنگ تحمیلی همیشه می گفت حضور در جبهه و دفاع از سرزمین و ناموس مثل نماز و روزه واجب است ایشان پس از ازدواج در حالی که دارای دو فرزند بودن به جبهه حق علیه باطل

اعزام شدند در سالهای ۶۲ و ۶۳ تحت عنوان بسیجی به جبهه اعزام شدند اما در آخر سال ۶۳ اول ۶۴ به استخدام سپاه پاسداران در آمدن و پاسدار شدن به فرموده همسر ایشان خانواده این شهید در روستای چهارطاق ساکن بودند ولی خود شهید به صورت داوطلبانه برای خدمت به انقلاب و اسلام به منطقه جنگی اعزام شدند و هر ۴۵ روز یکبار به مدت چند روز به دیدن خانواده می آمدند در حالی که فرزندان شان کوچک بوده و اختلاف سنی کمی داشتند



فعالیت های شهید در حین جنگ تحمیلی

بنا به فرموده هم‌رزم شهید جناب آقای احمدعابدینی که فرمودند خدا را شاکرم که به این حقیر توفیقی عنایت فرمود که در کنار هم‌رزمان و دوستانم از جمله شهید والامقام حسن شاهچراغی در تاریخ ۱۵/۳/۶۵ به عنوان نیروی داوطلب سپاه به صورت افتخاری برای دفاع از دین خاک ناموس ایران اسلامی عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شویم ما از طریق سپاه پاسداران تایید به منطقه جنگی در یگان خدمتی لشکر پنج نصر خراسان اعزام و مشغول خدمت شدیم شهید والامقام حسن شاهچراغی به عنوان نیرو در واحد مهندسی رزمی لشکر ۵ نصر مشغول خدمت شدند و از آنجا که در روستا با تراکتور به کار کشاورزی می پرداختند و سابقه کار با وسایل نقلیه سنگین را داشتند در منطقه عملیاتی به عنوان راننده لودر معرفی شدند و در ابتدای مأموریت، مقدمات عملیات کربلای ۱ جهت آزادسازی شهر اشغال شده مهران فراهم آمد. ایشان در واقع جز سنگرسازان بودند و به عنوان نیروی پشتیبانی در حین عملیات و خط‌نگهدار بعد از عملیات در عملیات کربلای ۱ نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. همچنین هم‌زمان با انجام عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ لشکر نصر خراسان عازم منطقه جنگی جنوب گردید که ایشان در راستای آماده سازی خطوط عملیاتی قبل از شروع عملیات کربلای ۴ و ۵ ایفای نقش نمودند

توضیحات بیشتر پیوست شماره ۲

۶۵,۲۰۹۱۲
۱۴۲۱۹۱

« بسمه تعالی »





جمهوری اسلامی ایران



لشکر و نج

نصر

شماره: ۴۵۸-۸۱-۵۵۵

تاریخ: ۱۴۲۱/۴/۵

به : اداره راهنمایی و رانندگی شهرت اهواز

از : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (لشکرک نصر) واحد پرسنلی

موضوع : معرفی

سلام علیکم

نسخه اول - ۱ - مخصوص اداره راهنمایی و رانندگی

احتراماً با توجه به نامه شماره ۲۲۸۳۵/۴۱/۱۴۴/۹۱۳۹

مورخه ۱۱/۱۰/۱۳۵۸ و نامه شماره ۳۷۹ - ۷/۳ - ۶ مورخه ۲۹/۹/۶۱ وزارت کشور در خصوص تعمیم معافیت از پرداخت عوارض گواهینامه به پرسنل این نهاد بدینوسیله برادر محترم حسن میرانی فرزند غلامحسین شماره شناسنامه ۴۷۹ [نوع عضویت افتخاری] جهت ثبت نام و شرکت در آزمایشات رانندگی معرفی می گردند.

این قسمت مخصوص پاسداران وظیفه است.

تاریخ شروع خدمت تاریخ اتمام خدمت

لشکر و نج
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
نصر

(۵۹۱ - ۸۰/س - ۶۴۸۶ - (۳) ۵۰۰۰۰) شماره ثبت



شماره درخواست

تاریخ ۴/۹/۶۳

شهر بانی حوزه میوی اسلامی ایران
شهرانی جراسان
دایره راهنمایی و رانندگی
قربت جام

کارت شرکت در آزمایشات رانندگی

پایه دو

نام شهت محمد علی فرزند محمد علی

شماره شناسنامه ۱۳۷۶ تاریخ تولد ۱۳۴۳ شغل کارگر

متصدی بررسی مدارک

رئیس دایره راهنمایی و رانندگی

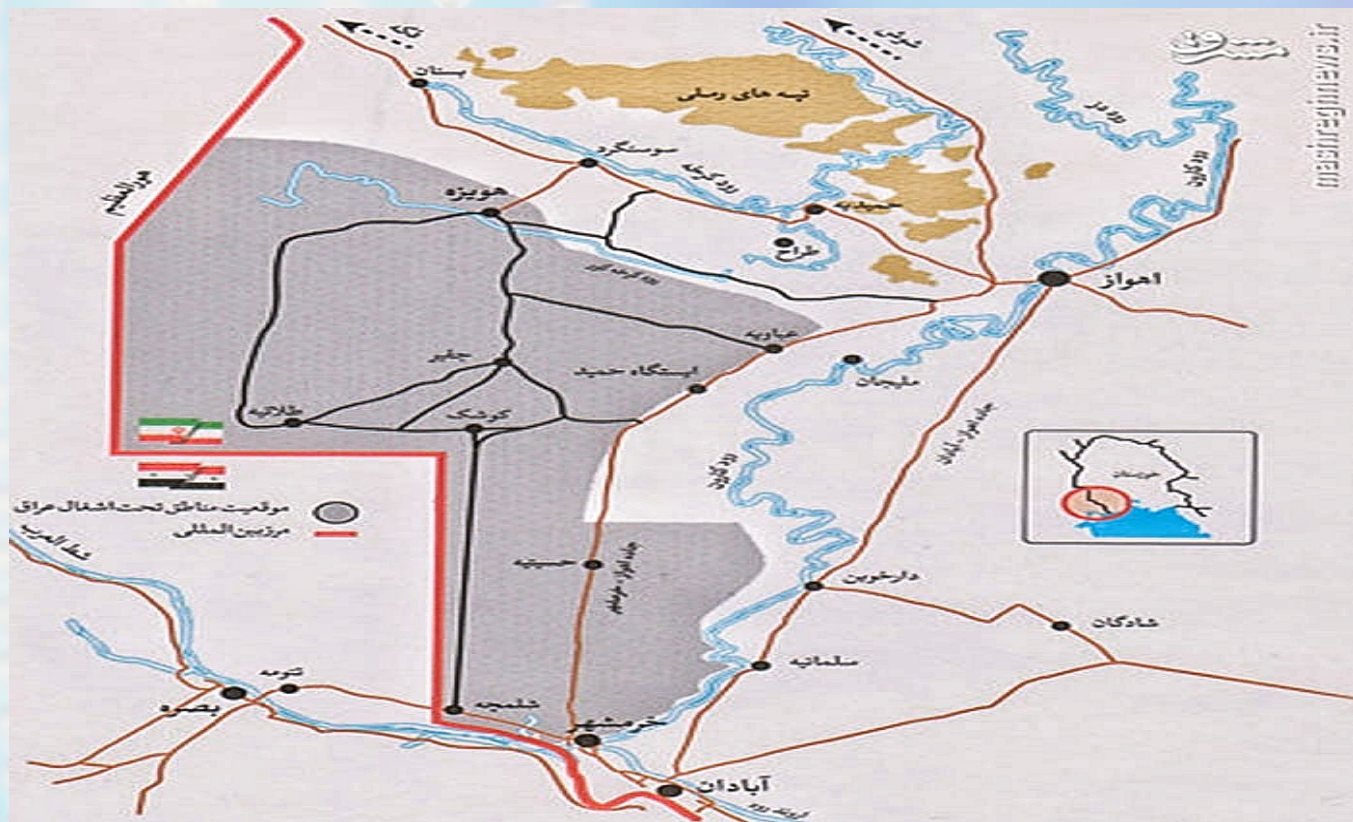
از سوی سید محمد در آزمایشات شناسنامه و عکس همراه داشته باشد.

این کارت هیچگونه اعتباری جهت رانندگی نداشته و درخواست کننده

در مرحله آزمایش نباشد.

۱۳۵۹

از آن نوازنی محمد علی محمد علی



نحوه شهادت

به گفته همرمز ایشان جناب آقای احمد عابدینی شهید بزرگوار به همراه چند تن دیگر از همرمزمانشان در راستای آماده سازی خطوط عملیاتی قبل از شروع عملیات کربلای ۴ و ۵ مسئول این بودند که یکسری از وسایل جنگی را از اهواز به شلمچه منتقل کنند و ایشان در کنار وسایل عقب ماشین می نشینند در طی مسیر به سرای دارخوین که می رسند با وجود لغزنده بودن جاده و حمله هوایی هواپیمای عراق ماشین مهندسی رزمی که شهید شاهچراغی سوار آن بودند از جاده منحرف شده و شهید بزرگوار آسیب جدی می بینند به گفته همسر ایشان اول دچار خونریزی مغزی می شوند و به اهواز اعزام شده ولی به درجه رفیع شهادت نائل می شوند روحشان شاد و یادشان همیشه گرامی

توضیحات بیشتر پیوست شماره ۳



۱۰ : دنیا سہواً غفلت : اسلامی تائید
۱۱ : عبادت اور زینت
۱۲ : موضوع : کتب ہدایت

برادر حسین میرزا فرزند غلامحسین عضو بنیاد افتخاری
در تاریخ ۱۷/۱۲/۱۳۵۷ به منطقه جنوب اعزام و در
مورخه ۱۷/۱۲/۱۳۵۷ در عملیات ک ۵ در محل بازو داخین
در اثر اصابت تفارت به ناحیه شعبه مغزی با شرح ذیل به مقام رفیع
شهادت نائل آمده دارای همسر ۵ و تعداد ۲ فرزند میباشد.
شرح حادثه منجر به شهادت :

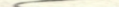
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شماره ۵۸۱-۴۵
تاریخ ۲-۳-۸۶
پیوست در ۲



12

به : ستاد ۳-۸-۲ پ - کارگزاری
از : ستاد ۵-۹-۱ نفر ۴

موضوع :  

سلام علیکم

احتراماً بدینوسیله به اطلاع میرساند که برادر محترم شاهجراح
فرزند علی محمد دارای شناسنامه شماره ۴۷۹۴ نوع عضویت افس تا پایان
تاریخ ۱۵، ۱۰، ۴۵ لغایت ۱۶، ۱۰، ۴۸ بمدت مذکور در واحد دفتر فرمان محترم دستگاه
بعنوان همکار به خدمت اشتغال داشته اند. ضمناً نامبرده مدت ۶۷۰۰۰
روز از مرخصی استفاده نموده و ۸۰۰۰۰ روز غیبت داشته و
مبلغ ریال بعنوان مساعده دریافت داشته اند.

توضیحات: ست ۷ روز رخصتی طلبه‌ها می‌باشد پس از آنکه کارهای

استاد

واحد پرستی
۱۵ نصر

رو نوشت :

لحظه ای با خاطرات همرزم شهید

جناب آقای احمد عابدینی به عنوان یکی از همرزمان شهید فرمودند ما در تاریخ ۶۵/۳/۱۵ در قالب پاسدار افتخاری از تایباد به شلمچه اعزام شدیم به همراه چند تن از بچه های چهارطاق که تقریباً همه اقوام و هم ولایتی بودیم با خنده ای که هنوز نشان از روحیه شاد بچه های جنگ و جبهه می دهد فرمودند: تنها خاطره های که از این دو شهید بزرگوار دارم این است که هروقت دور هم جمع می شدیم تنها نفرهایی که جدی از شهادت می گفتند شهید شاهچراغی و شهید خالقی بودند و همیشه با شوخ طبعی می فرمودند که بچه ها بیاین قرعه کشی کنیم ببینیم چه

کسی زودتر شهید میشود جالب بود هیچ وقت اسم آنها در این قرعه کشی های سوری در نمی آمد ولی نمی دانم در دل چگونه آرزو کردند که رفتند و این سعادت بزرگ نصیبشان شد



*در پاسخ به این سوال من که چه رفتاری از شهید برای شما برجسته تر بود فرمودند گذشت زیادی داشتند. برای مثال اگر دقت کرده باشید گفتم شهید عقب ماشین در کنار وسایل رزمی نشسته بودند که

به شهادت رسیدند چون ماشین های باری جای کمی برای نشستن رزمنده ها دارد
ایشان با این که از خطرات جنگ مطلع بودن خود به صورت داوطلبانه عقب
ماشین را انتخاب کردند تا دیگر همزمانشان در امان باشند و جانشان به خطر
نیفتد و نیز اینکه شهید دارای زن و ۳ فرزند بودند و کار کشاورزییشان نیز رونق
داشت می توانستند به زندگی دنیوی خود پردازند و لذت بزرگ کردن فرزندانشان
را بچشند که از زندگی خوش خود گذشتند و به منطقه عملیاتی آمدند برای دفاع
از اسلام ناموس و کشورشان

شهیدان زنده اند مروری بر خاطرات همسر شهید

شب شهادت شهید را خواب دیدم خواب دیدم شهید با ۲ سید به خانه مان آمد گفتند: فاطمه من که رفتم خانم جان پرسیدم کجا شما سه تا بچه داری گفت من رفتم شما را به این آقا ها میسپارم دیدم داخل حیاط یک اسب با سه یا چهار تاکره اسب هست شهید سوار اسب شد و میخواست بره که گفتم شما که میخوای بری چراکره اسب هارو نمیبری فرمودند این ها مال شماست و از خواب بیدار شدم و شروع به گریه کردم چون بچه ها کوچک بودند صبح خوابم را برای چند تا بزرگتر تعریف کردم و همه میگفتند خوابت خیره انشاالله به آب تعریف کن من اون موقع

برای اینکه تاریخ رفت و آمد همسرم را دقیق بدونم

روی دیوار خط میکشیدم و هر روز به خط رو خط

میزدم ببینم چندم برج است خط مربوط به تاریخ

آن شب را علامت زدم که بعدا از خودش بپرسم اون

شب چه اتفاقی برای شما افتاده بود که من این

خواب را دیدم و با تاخیر ایشان و خبر شهادت و

تاریخ آن متوجه شدم دقیقا همان شب شهید به

شهادت رسیدند

*در پاسخ به این سوال من که آیا بعد از شهادت

خاطره ای از شهید دارید یا اینکه حضور ایشان را در

زندگیتان احساس میکنید؟

فرمودند حضور ایشان را در زندگی خود و بچه هایم

احساس می کنم برای من همیشه زنده است. من

وَلَا تَحْزَنُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَجَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

و کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده پندار

بلکه اینان زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند



ایشان را زیاد خواب می بینم اما بیشتر از همه این خواب در خاطر من مانده که
جان پسرمان را نجات دادند. در کودکی پسر من خواب بودم که در خواب
همسرم را دیدم که در بالای تشک ها که قدیم کنار خانه می چیدیم نشسته بود و
میگفتند خانم جان بلند شو اکبر تب داره و مریض است من که از شیطننت های
اکبر خسته بودم اول بی اعتنا به این حرف شدم دوباره تکرار کرد بلند شو اکبر
مریض است و تب دارد ناخداگاه به خودم اومدم از خواب بیدار شدم دیدم پسر من
از شدت تب قرمز شده است.

گلایه فرزند شهید نسبت به تفکر مردم درباره خانواده شهدا

اینجانب اکبر شاهچراغی فرزند شهید معزز حسن شاهچراغی در سال ۱۳۶۲ در روستای چهارطاق در خانواده ای نسبتاً معمولی دیده به جهان گشوده ام با توجه به اعتراض هایی که آحاد مردم جامعه امروزی در خصوص جامعه ایثارگری و خانواده شهدا دارند که حقوق و مزایای کشور اختصاص به آنها دارد لازم به ذکر است اینجانب به عنوان عضوی از خانواده ایثارگران کشور بگویم بنده حقیر در شرایطی به دنیا آمده ام که در آن زمان اکثریت خانواده ها در خانه های گلی و پلی زندگی می کردند پدر بنده دارای یک واحد مسکونی آجری و آهنی بوده و یک دستگاه تراکتور رومانی صفر و امورات زندگی خود را از طریق همان کشاورزی و دامداری می گذراند و از آنجا که شخصی با غیرت بوده و نسبت به مسائل انقلاب و اسلام و ناموس خود تعصب زیادی داشته با شروع جنگ تحمیلی پا به عرصه دفاع از میهن گذاشته و جان و مال و خانواده و فرزندان را به خدای بزرگ سپرده و خود در میدان جهاد حاضر شده تا مبدا و جبی از سرزمین مقدس ایران به دست اجانب بیفتد و در این عرصه به مقام والای شهادت نائل گردیده در آن زمان من کودک سه ساله بودم و دو خواهر (۵ ساله و دیگری ۱ ساله) داشتم بعد از شهادت پدرم سطح فرهنگ خانواده ها و جامعه تا آن اندازه نبود که نسبت به یتیمان شهدا احساس مسئولیت داشته باشند و ما هم مثل بقیه کودکان دهه ۶۰ به سبک زندگی روستایی و شرایط خیلی سخت زندگی را بدون پدر ادامه دادیم و مادرم برای ما هم پدری و مادری کرد تا جایی که ما به سن نوجوانی رسیدیم با کارگری کردن برای مردم (کراویه درو، زعفران چینی، چوپانی) گذران زندگی می کردیم در آن زمان چون پدر بزرگمان قیم ما بود تمام اموال پدری به غیر از خانه را فروخت و

مابهره‌ای از آن تجهیزات نداشتیم و بعد از اینکه تحصیلات مان تا مقطع راهنمایی در روستا گذشت جهت ادامه تحصیل به شهر تایباد آمدم و مثل سایر اقشار جامعه ادامه تحصیل دادیم در آن زمان ما از هیچگونه مزایا و سهمیه‌ای برخوردار نبودیم فقط (کلاسهای فوق برنامه) که به اسم ما بود ولی متأسفانه مسئولین وقت فقط از حقوق و مزایای آن استفاده می کردند و هیچ نوع بهره‌وری برای ما نداشت

بعد از گرفتن مدرک دیپلم وارد دانشگاه شدم در آنجا با تشویق‌های برادران عزیزم حاج علی ذاکری و مصطفی مصدقی که مشوق اینجانب بودند در همان زمان دانشجویی بنا به درخواست مدیریت وقت فنی حرفه‌ای که پنج نیروی لازم داشت اینجانب به عنوان فرزند شهید در سازمان فنی حرفه‌ای جذب شده و چهار نیروی دیگر به واسطه سفارشات مسئولین وقت شهرستان مشغول به کار شدند و بعد از آن در سال ۸۱ در آزمون استخدامی آموزش و پرورش شرکت کرده و جذب آموزش و پرورش شدم به مدت ۱۱ سال در روستای محسن آباد به عنوان آموزگار معاون و مدیر مشغول به کار بودم درضمن با توجه به اینکه اکثریت جوانان و عامه مردم در خصوص اینکه می گویند فرزندان شهدا سهمیه در دانشگاه دارند در جریان باشند که اساتید دانشگاه، کمیته امداد، بهزیستی هم همچنین سهمیه‌های دارند که هیچ یک از مردم جامعه در جریان آن سهمیه‌ها نیستند در خصوص استخدامی محضر همه شما عزیزان عرض کنم که در شهر کوچکی همانند تایباد که نقطه‌ای از کشور حساب نمی‌شود در سال‌های قبل نیروهایی در ادارات به صورت شرکتی و خدماتی جذب شدند که هیچ یک از آنها فرزند شهید، ایثارگر، جانباز، کمیته امدادی و بهزیستی نبودند و فقط به واسطه سفارش مسئولین وقت جذب

شدند و هیچ کس اعتراضی نسبت به این موضوع نداشته و به هیچ جای دنیا بر نخورده است و اکثریت آنها هیچ اعتقادی به نظام و انقلاب جمهوری اسلامی ندارند

شاهد این بوده ام که فرزندان شهیدی در همان زمان جهت جذب به عنوان نیروی خدمات به ادارات مختلف مراجعه کردند و هیچ کس پاسخگوی آنها نبوده به عقیده من فارغ از اینکه فرزند شهید هستم ما هر چه داریم از برکت خون شهدا و امام و اسلام است از نظر رسیدگی مالی که مردم عقیده دارند به ما وام های عالی و مسکن رایگان عطا شده لازم به ذکر است بگویم در طی ایامی که از انقلاب گذشته تنها یک وام مسکن به فرزندان شهدا تعلق گرفته که در زمان خودش حتی در شهر تایباد هم نمی توانستیم با آن خانه بخریم و اگر شما سراغ دارید جایی که وام های عالی یا مسکن اضافه می دهند به ما هم اطلاع دهید که جهت دریافت مزایا احقاق حق کنیم و حق خود را بگیریم

مراسم تدفین

ماروستا بودیم که دم دمای غروب ماشین سپاه به روستا آمد و خبر شهادت ایشان را به پدر شوهرم داد و به ایشان فرموده بودند فعلا به کسی اطلاع ندهید پدرشوهرم شب اول به من چیزی نگفت ولی من چون خواب دیده بودم با دیدن ماشین سپاه شکم به یقین تبدیل شد پرسیدم آیا دقیقا بعد از شبی که خواب دیدین فردا خبر شهادت را شنیدید فرمودند نه من ۶۵/۱۰/۱۷ این خواب را دیدم و شهید همان روز به شهادت رسیده بودند اما ۶۵/۱۱/۲۲ خبر شهادت و پیکر ایشان به روستا آمد و من تا آن زمان از شهادت ایشان دقیقا اطلاعی نداشتم مشکوک شده بودم چون نامه ای از ایشان به دستم نمی رسید بارها به مقر سپاه می رفتم و جويا می شدم می گفتند تلگرام زده حالش خوب است در حالی که آنها می دانستند شهید شده و پیگیر جنازه بودند که بخاطر اینکه شهید پلاک خودش را جا گذاشته بوده و پلاک یکی دیگر از همزمانان را به گردن کرده بودند بعد از شهادت به اشتباه فکر کنم به ساری منتقل می شوند در آنجا بعد از شناسایی دوباره توسط همولایتی هایمان به چهارطاق منتقل شدند و این پروسه یک ماه تشییع جنازه ایشان را به تعویق انداخت روز تشییع جنازه به تمام روستاهای اطراف خبر می دادند و همین باعث شد تشییع جنازه پرشوری داشته باشد

*در پاسخ به این سوال من که آیا وصیتنامه شهید بزرگوار نیز موجود است فرمودند: از همزمانان شنیدم که وصیتنامه داشتن ولی متأسفانه وسایل و وصیت نامه این شهید بزرگوار گم شده و به دست ما نرسیده

توضیحات بیشتر پیوست شماره ۴



مراسم خاکسپاری



شهید

پایدار



حسن شاهچراغی

فرزند علی حسین

شهادت

ولادت

۱۳۶۵/۱۰/۱۷

۱۳۳۷

محل شهادت دارخوین

شهادت کمال انسان است امام خمینی

انتظار خانواده شهید از مردم

حرف آخر من به مردم این است که نه به خاطر خانواده شهدا به خاطر انقلاب پشت نظام خود بمانند مردم از خودشان بپرسند علت این انقلاب چه بود برای دفاع از ناموس و مملکت بود و حجاب، شهدا برای اسلام و ناموس رفتن طوری رفتار کنیم که خون شهدا پایمال نشود اون موقع تمام شهدا برای جنگ خارجی رفتن مطمئنیم برای دفاع در مقابل دشمن بوده الان که جنگ داخلی این همه شهید مقابل خود هم وطن، دردناک است واقعا، برای ما که خانواده شهید هستیم این سخت است مطمئنم بعد از خدا شهدا مدافع این مملکت و مردم هستند همانطور که شهید ما در تک تک دقایق زندگیم همراه من است من هیچ وقت احساس تنهایی نکردم ونمی کنم ما در شرایطی سخت تر از این اوضاع بر دشمن پیروز شدیم الان که امکانات رفاهی مردم خیلی نسبت به آن زمان بهتر شده آن زمان مردم قناعت داشتند الانم قناعت کنند و زندگی را خیلی سخت نگیرند

در ادامه سخنان همسر شهید فرزند شهید جناب آقای اکبر شاهچراغی فرمودند از شما خواهران و برادران دانشجو تقاضا دارم که راه شهدا و امام شهدا را ادامه داده و نسبت به حجاب و حفظ جامعه ایران اسلامی کوشا باشید و میدان را برای ناهلان و بیگانگان خالی نگذارید

انتظار خانواده شهید از مسئولین

فرزند شهید به عنوان عضوی از خانواده فرهنگی کشورمان فرمودند: از مسئولین به عنوان عضو کوچکی از جامعه ایثارگری تقاضا داریم نسبت به صحبت هایی که در فضای مجازی و رسانه های ملی انجام میدهند صادق باشند و مردم را نسبت به مقام شهادت و خانواده ایثارگران بدبین نکنند چرا که اگر دیدگاه مردم نسبت به مقام جهاد در راه خدا تعدیل شود دیگر امیدی به ماندن کشور در دست خودمان نخواهد بود

حرف آخر

شهادت جان دادن نیست، جان گرفتن است. مردن نیست، زنده شدن است. پایان نیست، آغاز است. آغاز حیاتی طیبه، هم برای آن‌ها که این خلعت زیبا را بر تن کرده‌اند و هم برای جاماندگان. شهادت، پاداش از خودگذشتگی و ایثار است. رسیدن به قله اخلاق و انسانیت است. مهر ختام ارزش‌هاست. شهادت، عبور از خود و فانی شدن در خداست. نقطه‌رهایی از تمام وابستگی‌های زندگی مادی است. شهادت، عاشقانه گرد محبوب طواف کردن است. سر بر خاک کوی جانان ساییدن است. چهره دلربای مولا دیدن و مستانه «حسین، حسین» گفتن است.

فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی، فرهنگ عشق و بندگی است که با ترویج آن می‌توان جامعه را الهی کرد. ترویج این فرهنگ، عاملی تاثیرگذار در برانگیختن انگیزه‌ها برای خودسازی، ایثار و معنویت است. از این رو باید برای ترویج این فرهنگ مقدس و نجات‌بخش، برنامه‌ریزی عمیق و اساسی کرد. بهترین شیوه برای ترویج فرهنگ شهادت، زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره شهداست.

بیایید لحظه‌ای تعارف و رودربایستی را با خودمان کنار بگذاریم و حساب و کتاب کنیم و ببینیم به چه کسانی بدهکاریم؟ چه کسانی به گردن ما حق دارند و به چه کسانی مدیونیم؟ درست که نگاه کنیم می‌بینیم همه ما به شهدا مدیون و بدهکاریم. بدهی کمی هم نیست. آن‌ها چه کرده‌اند و ما چه؟ بیایید بنشینیم و فکر کنیم شاید توانستیم بخشی از بدهی‌مان را به آن‌ها پردازیم. چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا این فداکاری بزرگ را جبران کند یا لااقل پرکاهی در مقابل کوه گذشت آن‌ها

باشد؟ باید دانست شهدا به کسی نیاز ندارند، ما به یاد و نام آنها نیازمندیم.
اگر آنها در مقابل دشمنان ایستادگی نمی‌کردند، معلوم نبود ما الان چند کفن
پوسانده بودیم. اگر آنها دل از دنیای خود نمی‌کنند، معلوم نبود ما الان طوق
اسارت کدام مستکبر را برگردن خود می‌دیدیم. این که در کمال صحت و سلامت
و بی‌هیچ ترس و واهمه‌ای زندگی می‌کنیم را مدیون شهداییم



منابع تحقیق

مصاحبه با همسر شهید بزرگوار خانم فاطمه قائنی

مصاحبه با هم‌رزم شهید جناب آقای احمد عابدینی شماره تلفن
۰۹۱۵۳۰۵۵۷۳۳

مصاحبه با فرزند شهید جناب آقای اکبر شاهچراغی شماره تلفن
۰۹۱۵۱۲۶۰۹۶۵

قابل به ذکر است که صوت این مصاحبه ها نیز موجود است





